

نابرابری ارث زن و مرد

مقدمه : عدم تبیین برخی از احکام و حدود الهی درباره زنان و تبدیل آنان به شبهه، موجب پنداری شده است که در نظام آفرینش، به زن ستم شده است. وجود برخی از آیات و روایات برای بسیاری از بانوان پرسش‌انگیز است؛ از جمله این که: «چرا ارث زنان نصف ارث مردان است؟»

موضوع این نوشته، بررسی مساله ارث زن است که بر طبق آیه ۱۱ سوره نساء «لِلذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَى» سه‌م مذکر دو برابر سه‌م مؤنث است. در تبیین این موضوع ناچار از ذکر سه مساله هستیم:

۱ - یکی از عوامل مهم در ایجاد شبهه، کم‌اطلاعی و گاه بی‌اطلاعی از احکام و مسایل حقوقی است. موضوع ارث از آن نمونه مسایلی است که حقیقت آن با چیزی که زنان می‌پندارند کاملاً متفاوت است. بر پایه آنچه ما در این گفتار دنبال می‌کنیم، ارث زن بیش از مرد یا مساوی با مرد است. حال آن که در نگاه سطحی، تصور می‌شود که ارث زن نصف ارث مرد است.

۲ - این مساله هم از امور روشن اجتماعی و حقوقی است که انتظار «تساوی حقوق زن و مرد» در همه چیز، انتظاری بی‌پهلو است. زن و مرد دو موجود با ویژگی‌های مخصوص به خود و دارای دو نوع طبیعت و امکانات هستند و هیچ یک از آن دو نمی‌تواند خود را شایسته حقوق مخصوص آن دیگری بداند. آنچه میان آن دو نباید وجود داشته باشد، تبعیض است نه تفاوت. تبعیض در جایی است که بین دو شیء با امکانات کاملاً مساوی، فرق گذاشته شود. قرآن چنین تبعیضی را نه در حق مرد قائل است و نه در حق زن. در آنجا که از بهره زن و مرد سخن می‌گوید، می‌فرماید: برای هر یک از زن و مرد حاصل دسترنج‌شان باید داده شود. «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء آیه ۳۲) در ثواب اخروی آنان نیز می‌فرماید: هر یک از زن و مرد مؤمن که کاری شایسته کرده باشند، به طور کامل پاداش خود را دریافت خواهند کرد. اما از طرفی این حقیقت از امور پذیرفته علمی و تجربی است که توان بدنی مرد بیشتر از زن و نیروی عاطفی زن به مراتب بیشتر از مرد است. بارداری و شیردهی ویژه زن است و مرد راهی برای دستیابی بدان ندارد و به طور طبیعی نمی‌تواند امتیازات این دوره از زندگی زن را دارا شود.

۳ - حقیقت این است که در عصر نزول آیات ارث بر مسلمانان، هیچ زمینه‌ای برای طرح حقوق زن وجود نداشت. مسلمانانی که در انتظار نزول آیات الهی پیرامون مسایل زندگی بودند، برخی همان کسانی بودند که تا زمانی پیش از آن را جزو دارایی مرد برمی‌شمردند و هیچ گاه تصور نمی‌کردند که اسلام برای زن سهمی از ارث قرار دهد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آگاه‌ترین فرد به رویدادها و افکار زمان خود بود، خوب می‌دانست که طرح مسایل حقوقی زنان در آن دوره، با واکنش رو به رو خواهد شد. از دیدگاه مردمان آن روزگار، زن موجودی ضعیف است که حتی اگر بخواهد از مزیتی برخوردار شود باید امتیازش از مرد کمتر باشد. تصور این که زن در یکی از حقوق خانوادگی یا اجتماعی هم تراز مرد شود واقعا فاجعه آفرین بود. از این رو بایست هر حکمی به نفع زن به تصویب می‌رسد، به گونه‌ای زیرکانه بیان شود که نه زن از چیزی محروم ماند، نه مرد در مقابل آن به واکنش و ستیزا داشته شود. موضوع ارث از آن نمونه احکام بود که بسیار دقیق و زیرکانه مطرح شد و شاید بتوان چنین استنباط کرد که در آن عصر به آسانی کسی از مردان انحصار طلب به ژرفای آن - که به نفع زن طرح ریزی شده بود - پی‌نبرد تا در مقابلش جبهه‌گیری کند.

مساله ارث زن در حالی مطرح گردید که در میان مردم عرب هرگاه مردی می‌مرد، فرزندان، زن پدر خود را به ارث در اختیار می‌گرفتند و با وی ازدواج می‌کردند یا او را به عقد دیگری در می‌آوردند و مهریه او را مانند دیگر اموال، میان خود قسمت می‌کردند. این پدیده زشت سبب شد که آیه‌ای از قرآن (سوره نساء، آیه ۲۲) آنان را از این کار بازدارد و رفته رفته بدان‌ها تفهیم شود که زن همانند مرد دارای حقوقی است که باید محترم شمرده شود. با نزول آیه ارث «لِلذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَى» (نساء، آیه ۱۷۶) گفتگوها بالا گرفت. چون بر طبق آن آیه، زن نیز از ارث

بهره‌می‌برد، اگرچه به مقدار نصف مرد. لطافت آیه‌ارث یکی در آن بود که در ابتدا از حق مردسخن می‌گفت ولی در اصل نخست اعتراف به حق زن داشت. آیه نمی فرمود: «ای زنان، ارث شما نصف ارث مردان است.» بلکه فرموده است: «ای مردان! ارث و بهره شما دوبرابر بهره زنان است.» این تعبیر در حقیقت میزان در ارث را حق زن قرار می‌دهد. زیرا برای تعیین مقدار ارث مرد، وی باید نخست به حق زن اعتراف کند و آنگاه به همراه دوبرابر آن برای خود طلب نماید. بر طبق مفاد آیه، نخست باید «بهره زن» مشخص و پرداخته شود و آنگاه نصیب مرد خود به خود معلوم می‌شود. این موضوع مانند آن است که بخواهند دوازده سیب را میان يك دختر و يك پسر تقسیم کنند. به پسر می‌گویند: سیب‌ها باید طوری تقسیم شود که شما دوبرابر سهمیه دختر برداری.

پس وی نخست باید سیب‌ها را به سه قسمت مساوی تقسیم کند و پس از اعتراف به حق دختر و تقدیم يك سهم آن به وی، دو برابر آن را برای خود بردارد. تا همین جا مرد دلخوش از دو برابر بودن سهمیه خود است و چندان اعتراضی به حکم ندارد و زن محروم گذشته نیز از این که با احترام، بخشی از ارث به وی تعلق گرفته‌خرسند است. با این تقسیم - به طور مثال - ازدوازده میلیون تومان پول که از پدری به تنها دختر و پسرش ارث برسد، چهار میلیون سهم دختر می‌شود و هشت میلیون سهم پسر. این به ظاهر پایان تقسیم ارث میان پسر و دختر (مرد و زن) است ولی در حقیقت کار به پایان نرسیده است. زن در هنگام تقسیم ارث، نصف بهره مرد را به دست آورده است ولی از طرفی از سوی خداوند میان زن و مرد احکامی مقرر شده است که این کاستی برای زن جبران می‌شود و چه بسا سهمیه او بیشتر از مرد می‌گردد. زیرا با طرح چند وظیفه بر مرد، او موظف به پرداخت مخارجی است که زن عهده دار آن نیست.

برخی از آن‌ها بدین قرار است:

۱ - پرداخت مخارج خانواده (همسر، فرزندان و پدر و مادر). زن در این مرحله وظیفه‌ای ندارد و مرد عهده دار تامین مخارج است و در صورت نیاز، مرد است که باید نیاز آنان را برآورد.

۲ - پرداخت دیه. هرگاه فرزندان (دختر یا پسر) به سبب انجام کاری به پرداخت دیه محکوم شوند، درحقیقت مرد است که باید این دیه را بپردازد. هرگاه فامیل هم ناچار به پرداخت دیه شوند، مردان فامیل عهده دار پرداخت آن جرمه‌اند نه زنان.

۳ - پرداخت مهریه. در هنگام خواستگاری و ازدواج، مرد است که به زن مهریه می‌دهد نه به عکس.

۴ - مخارج کار خانه و شیردادن به بچه‌ها. مرد وظیفه دارد که در صورت تقاضای زن، نسبت به انجام کار خانه و شیردادن به اطفال، به وی مزد دهد و حال آن که در انجام کارهای مرد، لازم نیست زن چیزی به مرد بپردازد.

۵ - و غیره. با توجه به احکام نامبرده، آنچه مرد در ارث به دست آورده در حقیقت بیشتر به مصرف زن می‌رسد و گاه بهره واقعی او از نصف ارث هم کمتر می‌شود. بنابراین باید سهمیه زن و مرد در این موضوع را به حقوق و در آمد تعبیر کنیم. زن حقوق کمتری از مرد دارد ولی در واقع در آمد وی مساوی با او یا بیشتر از وی است. افزون بر همه اینها، زن ناچار نیست حاصل دسترنج خود در بیرون خانه را به مصرف خانه برساند. آنچه او کسب می‌کند - در خانه باشد یا بیرون - به خود او تعلق دارد؛ در حالی که مرد حاصل کار خود را - به دلیل حقوقی که بر عهده اوست - به خانه می‌آورد و به مصرف خانواده‌اش می‌رساند. (نقل از مجله قضاوت)